

## سنجش و مقایسه تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی در خانواده‌های گسترده و هسته‌ای مطالعه موردی: مناطق روستایی بخش پشت‌آب زابل

غریب فاضل‌نیا\* - دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی اجتماعی،  
دانشگاه شیراز

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۵ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۹/۵

### چکیده

کیفیت زندگی مفهومی است برای ترسیم رفاه در جامعه. از آنجاکه نوع و ساختار خانواده در کیفیت زندگی فرد تأثیر دارد، هدف اصلی این پژوهش، سنجش و مقایسه تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی خانواده‌های گسترده و هسته‌ای در مناطق روستایی بخش پشت‌آب است. منطقه مورد مطالعه شامل ۹ روستا از دهستان‌های ادیمی و قائم‌آباد بخش پشت‌آب زابل است. جامعه آماری شامل ۲۹۶ خانواده گسترده و هسته‌ای است، که از سال ۱۳۸۵ به بعد زندگی مشترک را آغاز کردند. این خانواده‌ها به صورت نمونه‌گیری تصادفی و با کمک دهیاران انتخاب شدند. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است که داده‌های اولیه از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی و سایت‌های علمی جمع‌آوری شدند و پس از بررسی منابع، شاخص‌های کیفیت زندگی برای دو خانواده گسترده و هسته‌ای در قالب پرسشنامه طراحی و در روستاهای نمونه توزیع شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری SPSS و از روش‌های آماری از جمله توزیع فراوانی داده‌ها برای تعیین درصد ویژگی پاسخگویان، و آزمون T-test برای سنجش تفاوت معناداری در میزان رضایت زوج‌های جوان در قالب شاخص‌های کیفیت زندگی در دو نوع ساختار خانواده استفاده شده است. نتایج حاصل از این تحقیق حاکی از آن است که دو نوع خانواده در میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت محیطی و تسهیلاتی روستا، کیفیت کالبدی مسکن (درونی و بیرونی) و بهزیستی عاطفی تفاوت چندانی نداشتند؛ لیکن این دو نوع خانواده در میزان رضایتمندی و احساس رفاه در قالب شاخص خودمختاری و آزادی عمل و شاخص روحی و روانی، تفاوت معناداری داشتند.

**کلیدواژه‌ها:** بخش پشت‌آب، خانواده گسترده، خانواده هسته‌ای، کیفیت زندگی، مناطق روستایی.

## مقدمه

همه انسان‌ها از آغاز حیات در جست‌وجوی بهبودبخشیدن به کیفیت زندگی خود بوده‌اند، اما در دوران معاصر، کیفیت زندگی به موضوع مطالعه دانشمندان تبدیل شده است. آنها به این واقعیت پی برده‌اند که آینده جامعه در گرو شناسایی عواملی است که بر شرایط زندگی انسان‌ها تأثیر می‌گذارد (جواهری و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۴۵). کیفیت زندگی مفهومی است که برای ترسیم توسعه رفاه در جامعه به کار می‌رود و منعکس‌کننده شرایط زندگی و رفاه افراد است. بررسی‌ها نشان می‌دهند که طی ۳۰ سال گذشته، کیفیت زندگی به مثابه هدف اصلی توسعه جامعه بر سیاست‌گذاری‌های بسیاری از کشورها تأثیرگذار بوده است (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۰۰). در توصیفی دیگر از کیفیت زندگی آمده است که، کیفیت زندگی به معنای داشتن زندگی خوب و احساس رضایت از آن است و می‌توان میزان واقعی رفاه افراد و گروه‌ها را تحت شرایط اجتماعی و اقتصاد عمومی، کیفیت زندگی نامید (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۶۶). کیفیت زندگی مفهومی چندوجهی، نسبی، و متأثر از زمان، مکان و ارزش‌های فردی و اجتماعی است که از یک سو ابعاد عینی و بیرونی و از سوی دیگر ابعاد ذهنی و درونی دارد. اصولاً کیفیت زندگی مفهومی پیچیده و چندبعدی است که با وضعیت جمعیت در مقیاس جغرافیایی مشخص (مانند روستا، شهر، یا کشور) ارتباط دارد و از این رو هم به شاخص‌های ذهنی یا کیفی و هم به شاخص‌های عینی و کمی متکی است. بنابراین، بدیهی است که تمامی مطالعات کیفیت زندگی در قالب دو سرفصل شاخص‌های عینی و شاخص‌های ذهنی انجام شود (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷، ۴-۶). برخی از پژوهشگران بین دو موضوع در مورد کیفیت زندگی تمایزی قائل شده‌اند؛ یکی اینکه می‌توان کیفیت زندگی را در واحدها یا سطوح مختلف فردی، خانوادگی، اجتماع، دولت‌ها و در سطح جهان- تحلیل کرد و دیگر آنکه می‌توان کیفیت زندگی را در دو شکل ذهنی و عینی سنجید (ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۰۱). بررسی کیفیت زندگی در سطح خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نخستین سال‌های زندگی هر فرد در محیط خانواده می‌گذرد و در این دوران است که پایه شخصیت او گذاشته می‌شود، بنابراین

می‌توان به اهمیت خانواده و تأثیری که در پرورش فرد و قوای روحی و اخلاقی او دارد پی برد. خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی، اساس تشکیل جامعه و حفظ عواطف انسانی است. نخستین تأثیرات محیطی که فرد دریافت می‌کند از محیط خانواده است و حتی تأثیرپذیری فرد از سایر محیط‌ها می‌تواند برگرفته از همین محیط باشد. خانواده پایه‌گذار بخش مهمی از سرنوشت انسان است و در تعیین سبک و خط‌مشی زندگی آینده، اخلاق، سلامت و عملکرد فرد در آینده نقش بزرگی برعهده دارد.

یکی از انواع خانواده‌ها، خانواده روستایی است که به‌عنوان هسته اصلی جامعه روستایی شناخته می‌شود. ویژگی اختصاصی خانواده‌های روستایی مهم‌ترین عامل تشکیل‌دهنده خصیصه بارز گروه‌های روستایی به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی است، که تصویری کلی از گروه‌های روستایی سراسر دنیا به‌دست می‌دهد (ژیوانی و همکاران، ۱۳۷۷، ۷۱). به‌نظر می‌رسد که خانواده‌های روستایی ضمن برخورداری از قانون‌مندی‌های کلی و داشتن ویژگی‌های اساسی مشابه با خانواده‌های شهری و عشایر، مختصات ویژه‌ای دارند که آنها را از یکدیگر متمایز می‌سازد: الف) بعد خانوار، و ب) نوع خانواده. نخستین وجه امتیازی که خانواده‌های روستایی را از خانواده‌های شهری جدا می‌کند، بعد و اندازه آن است (تقوی، ۱۳۸۲، ۶۰). ویژگی دیگر خانواده‌های روستایی درمقایسه با خانواده‌های شهری، نوع خانواده است. خانواده روستایی ایران پدرنام و پدرمکان<sup>۱</sup> است و شیوه پدرسالاری (و به‌بیان دقیق‌تر پدرمداری) و مردم‌داری تا حد زیادی بر آن مسلط است. این خانواده از نظر ارث، پدرتبار و از نظر خویشاوندی دوسویه (خویشاوندی فرزندان با اقوام پدر و مادر) است (همان، ۶۱). در منابع گوناگون، ساختار اصلی خانواده به دو شکل در نظر گرفته شده است: خانواده گسترده<sup>۲</sup> و خانواده هسته‌ای<sup>۳</sup>. خانواده هسته‌ای از زن و شوهر و فرزندان ازدواج‌نکرده تشکیل می‌شود. این نوع خانواده بنیان جوامع

---

1. Patrilocal  
2. Extended Family  
3. Nuclear Family

صنعتی کنونی را تشکیل می‌دهد که در گسترش شهرنشینی و توسعه صنعتی شکل گرفته‌اند. خانواده گسترده بر بستگی‌های نسبی و سببی استوار است و شامل چند گروه خونی و چند گروه زناشویی می‌شود. خانواده‌های گسترده فرزندان‌شان را پس از ازدواج در خود جای می‌دهند و گسترش آنها نیز به‌همین دلیل است. به این ترتیب ممکن است چند نسل زیر یک سقف و در یک خانه مشترک زندگی کنند (بیلیان، ۱۳۸۵، ۱۸). در این شکل از خانواده، پدر و مادر مرکز ثقل خانواده را تشکیل می‌دهند و پسرها، نوه‌ها و عروس‌ها از آنها اطاعت می‌کنند. اگر پدر و مادر به‌علت کبر سن نتوانند وظایف سرپرستی را انجام دهند، پسر ارشد جای آنها را می‌گیرد. دخترها پس از ازدواج خانه پدری را ترک می‌کنند، از این‌رو خانواده گسترده غالباً به شکل پدرمکانی است (همان، ۱۹).

اگرچه غلبه نظام خانوادگی گسترده در روستاها به‌گونه‌ای است که فرزندان پسر اغلب پس از ازدواج از خانواده پدری جدا نشده و در همان خانه سنتی سکنی گزیده‌اند، تأثیرپذیری از فرهنگ وارداتی شهرها و تغییر تدریجی الگوی خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای موجب شده است امروزه برخی مزدوجین جوان ترجیح دهند بنیان خانواده‌ای کوچک و هسته‌ای را در خانه‌های نو و جدا از خانه پدری بگذارند (غفاری و همکاران، ۱۳۸۷، ۴۴). جداگزینی زوج‌های جوان و انتخاب خانه مستقل از والدین، نشان‌دهنده استقلال فردی و آزادی عمل در انتخاب براساس خواسته‌های جوانان است. با توجه به اینکه سطح توقع و خواسته‌ها و میزان تحصیلات نسل جوان بالا رفته است، این قشر از جامعه روستایی با الگوپذیری از جامعه و اهمیت دادن به راحتی و آسایش خود، بیشتر تمایل دارند که خانواده‌ای کوچک و هسته‌ای (متشکل از زن و شوهر و فرزندان) داشته باشند. بنابراین انتظار می‌رود اینان درمقایسه با دیگر زوج‌های جوانی که نوع هسته‌ای خانواده را ترجیح داده‌اند به کیفیت زندگی اهمیت بیشتری بدهند. درمقابل این زوج‌ها، زوج‌های جوان دیگری هستند که پس از ازدواج در کنار والدین‌شان می‌مانند و زندگی می‌کنند. بی‌تردید کیفیت زندگی، سبک زندگی، و روابط و رفتارهای این زوج‌ها با زوج‌های قبلی متفاوت خواهد بود، چون ساختار و سطح خانواده‌ای که برای زندگی انتخاب

کرده‌اند، متفاوت است. لذا این موضوع که آیا از منظر توجه به شاخص‌های کیفیت زندگی می‌توان تفاوتی بین این دو گروه از خانوارها قائل بود، پرسش اصلی این تحقیق را تشکیل می‌دهد. هدف اساسی پژوهش حاضر، مقایسه سطح کیفیت زندگی و رفاه و آسایش دو شکل از ساختار خانواده (گسترده و هسته‌ای) بین زوج‌های جوانی است که در زمان انجام این پژوهش از زندگی مشترکشان پنج سال می‌گذرد و از سال ۱۳۸۵ به بعد تشکیل زندگی داده‌اند.

### ضرورت و اهمیت انجام تحقیق

طی قرن گذشته تغییرات چشمگیری در مورد دیدگاه آدمی به زندگی رخ داده است؛ به گونه‌ای که صرفاً حفظ زندگی به شکل معمول، مطلوب تلقی نمی‌شود، بلکه ارتقای کیفیت زندگی در زمینه‌های متعدد تلاش اساسی جوامع محسوب می‌گردد (نائینیان و همکاران، ۱۳۸۴، ۴۷). شاخص امروزین پیشرفت اجتماع، «کیفیت زندگی» است. این اصطلاح دربرگیرنده مهم‌ترین عواملی است که شرایط زندگی در جامعه و رفاه شخصی افراد را تعیین می‌کنند. طی دهه‌های اخیر کیفیت زندگی یکی از اساسی‌ترین نکات مورد توجه در علوم اجتماعی بوده است و برای ارزیابی پارامترهای مادی توسعه اقتصادی و تولیدات داخلی در کنار پارامترهای غیرمادی‌ای چون کیفیت کار، سطح باسوادی و فرهنگ، استاندارد پزشکی و بهداشت، کیفیت فراغت و تفریح، شرایط محیط‌زیست، جو سیاسی، احساس خوشبختی انفرادی و حتی آزادی و اتحاد ملی بررسی می‌شود (حریرچی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۰). با سنجش کیفیت زندگی در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و جهانی می‌توان میزان آسایش و آرامش افراد را دریافت. درواقع با سنجش کیفیت زندگی براساس شاخص‌ها و در ابعاد گوناگون، درجه توسعه‌یافتگی کشورها تعیین می‌شود. بر این اساس آگاهی از میزان رضایت‌مندی افراد و گروه‌ها از شیوه‌ها و سبک‌های زندگی که در مفهوم کیفیت زندگی صورت‌بندی می‌شود، ضرورت می‌یابد. پژوهش حاضر درصدد شناخت وضعیت کیفیت زندگی در انواع خانواده‌های شکل‌گرفته در مناطق روستایی شهرستان زابل است و به دلیل اهمیتی که

این مسئله در سالم‌سازی محیط روستا دارد، ضرورت و اهمیت انجام تحقیق آشکار است. با توجه به اهمیت موضوع کیفیت زندگی به‌عنوان شاخص تعیین رفاه، اهداف اساسی پژوهش حاضر اینها هستند: ۱. شناخت وضعیت کیفیت زندگی در دو نوع خانواده (گسترده و هسته‌ای) در مناطق روستایی بخش پشت‌آب؛ و ۲. ارزیابی میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت زندگی در سطح خانواده‌های گسترده و هسته‌ای مناطق روستایی بخش پشت‌آب.

### پیشینه تحقیق

مطالعه و بررسی منابع حاکی از آن است که پژوهش‌های اندکی در مورد کیفیت زندگی خانواده‌های روستایی در داخل و خارج کشور انجام گرفته است. اکثر پژوهشگران کیفیت زندگی، دسته‌هایی از مردم مانند سالخوردگان و بیماران را به‌عنوان جمعیت‌های هدف برای مطالعه کیفیت زندگی برمی‌گزینند و درخصوص همه گروه‌ها و اقشار جامعه شهری و روستایی کمتر به سنجش کیفیت زندگی می‌پردازند. جست‌وجو در سایت‌های علمی نشان داد که در اکثر منابع خارجی، کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان، دیابت، انواع بیماری‌ها، سالخوردگان و کودکان در روستاها و شهرها مورد توجه قرار گرفته و کمتر به کیفیت زندگی همه اقشار جامعه پرداخته شده است. در ادامه به برخی از مطالعات داخلی و خارجی اشاره می‌شود.

ماجدی و لهسایی‌زاده در سال ۱۳۸۵ در پژوهشی با نام «رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی: مطالعه موردی در روستاهای استان فارس» به این نتیجه رسیدند که سطح بالای سرمایه اجتماعی به سطح بالای رضایت از کیفیت زندگی می‌انجامد. بنابراین سرمایه اجتماعی درمقایسه با متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، شغل و مانند اینها پیش‌بینی‌کننده‌ای بهتر برای رضایت از کیفیت زندگی به‌شمار می‌آید. در سال ۱۳۸۷، رضوانی و منصوریان در پژوهشی با نام «سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی» به این نتیجه دست یافتند که سنجش

کیفیت زندگی در نواحی روستایی پدیده‌ای پیچیده است که باید شرایط مکانی و زمانی را در آن هم‌زمان در نظر گرفت. در سال ۱۳۸۸، قالیباف و همکاران، «سنجش میزان رضایتمندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی: مطالعه موردی بخش نوسود استان کرمانشاه» را انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که وضعیت کیفیت زندگی در منطقه مطالعه شده از دید جامعه نمونه بالا نیست و از بین متغیرهای تحقیق، سه متغیر گذران اوقات فراغت، کیفیت محیطی و کیفیت کالبدی - از جمله مسکن - بر امنیت منطقه تأثیرگذارند. صباح و همکاران (۲۰۰۳)، کیفیت زندگی جمعیت شهری و روستایی در لبنان را با تأکید بر بهداشت و سلامت بررسی کردند. یافته‌ها نشان دادند بیماران مقیم روستاها بانشاط‌تر از بیماران ساکن شهر هستند. افراد مسن بیش از جوانان از حوزه‌های زندگی رضایت دارند و کیفیت زندگی زنان نیز پایین‌تر از مردان است. پروژه مشورت و همکاری جوامع روستایی غرب ویکلو<sup>۱</sup> در ایرلند در سال ۲۰۰۴، مسائل کیفیت زندگی جوامع روستایی را در پنج بخش با کمک افراد و گروه‌های محلی بررسی کرد. در بخش نخست پژوهش مذکور، مسائلی از این دست بررسی شد: حمل‌ونقل، دسترسی به خدمات درمانی - بهداشتی، تهیه و تدارک تسهیلات مراقبت از کودک و امکانات بازی و سرگرمی، ایمنی جاده، خدمات زیست‌محیطی مانند زیبایی طبیعت، خدمات و تسهیلات اطلاعاتی و مشاوره‌ای، آموزش و پرورش، و کوشش داوطلبانه محلی در زمینه حمایت. در سال ۲۰۱۰، گراگی و همکارانش کیفیت زندگی در مناطق روستایی کروات<sup>۲</sup> مانند یا ترک روستا - را بررسی کردند. نتایج نشان دادند که زندگی روستایی مشکلات عمده‌ای در زمینه‌های اقتصادی، طبیعت، فرصت‌های شغلی، حرفه و شغل مناسب و درآمد درمقایسه با شهر دارد، که باعث مهاجرت و ترک روستا و در نتیجه آثار نامطلوب ناشی از شهرنشینی بیش از حد می‌شود.

---

1. Wicklow  
2. Croatia

## مبانی نظری: تعاریف و مفاهیم

### کیفیت زندگی

کیفیت زندگی مفهوم گسترده‌ای است که نزد افراد و گروه‌های مختلف معانی گوناگونی دارد. برخی آن را قابلیت زیست‌پذیری یک ناحیه، برخی دیگر آن را سنجه‌ای برای میزان جذابیت و برخی به‌عنوان رفاه عمومی، بهزیستی اجتماعی، شادکامی، و رضایتمندی تفسیر کرده‌اند (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۳). برخی اندیشمندان معتقدند که «کیفیت زندگی مجموعه‌ای است که نیازهای جسمی، عاطفی، اجتماعی و امکانات زندگی را تشکیل می‌دهد». برخی دیگر بر این باورند که: «کیفیت زندگی به‌معنای این احساس است که فرد به رفاه اجتماعی، عاطفی و جسمانی شخصی دست یافته و معادل توانایی فرد برای محقق‌ساختن برنامه‌ها یا طرح‌های مورد نظرش است. درواقع کیفیت زندگی به این معناست که انسان بتواند زندگی خود را هماهنگ با ارزش‌هایش سامان دهد» (جوهری و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۴۵). مفهوم کیفیت زندگی اغلب به‌عنوان رضایت از زندگی، خوشبختی و سعادت، رفاه و آسایش، و حس انجام و اجرا شناخته می‌شود. کیفیت زندگی مرتبط با ابعاد ذهنی و فردی است و سطح تحقق نیازهای انسان را منعکس می‌کند (Zielinska et al., 2010, 1). تعاریف متعددی از کیفیت زندگی ارائه شده است، که عمدتاً به رضایتمندی اشخاص از زندگی یعنی احساس بهزیستی اشاره دارند. جنبه‌های زندگی شخصی روی‌هم‌رفته شامل تصورات و ادراکات از کیفیت زندگی است که عواملی از قبیل فعالیت فیزیکی، عاطفی و سلامت روانی، تأثیرات متقابل اجتماعی، تجربیات شغلی، قابلیت و توانایی برای انجام نقش‌های مورد انتظار و توانایی برای دست‌یافتن به اهداف و آرزوها را دربرمی‌گیرد (Yaruss, 2010, 192). کیفیت زندگی به‌وسیله فرد و برحسب بسیاری عوامل از قبیل سبک زندگی، تجربیات قبلی، امید به آینده، رؤیاهای و آرزوها تعریف می‌شود (Walker et al., 2008, 344). سازمان بهداشت جهانی<sup>۱</sup> (WHO)، کیفیت زندگی را چنین

---

1. World Health Organization



تعریف می‌کند: ادراکات و احساسات افراد از موقعیت‌شان در زندگی براساس فرهنگ و نظام‌های ارزشی که برحسب اهداف و آرزوها، انتظارات، استانداردها و روابط و ارتباطاتی در آن زندگی می‌کنند صورت می‌گیرد (Yaruss, 2010, 192; Bassi et al., 2011, 19; Zielinska et al., 2010, 1; حریرچی و همکاران، ۱۳۸۸، ۹۰؛ ماجدی و لهسایی‌زاده، ۱۳۸۵، ۱۲۳؛ نجات، ۱۳۸۷، ۵۸؛ آقاملایی، ۱۳۸۶، ۷۰؛ نائینیان و همکاران، ۱۳۸۴، ۴۸). هدف سازمان بهداشت جهانی از تعریف مذکور این است که کیفیت زندگی باید در پیوند با زمینه‌های محیطی، اجتماعی و فرهنگی دیده شود و نباید آن را با دوره‌هایی از وضعیت سلامت، سبک زندگی، رضایتمندی از زندگی، چگونگی و کیفیت روانی یا بهزیستی مترادف گرفت (Yaruss, 2010, 192). کیفیت زندگی توصیف مرحله‌ای از اوضاع زندگی مردم است (Cagliero et al., 2010, 315). کیفیت زندگی با توسعه اقتصادی-اجتماعی و بهبود و بهسازی سطوح زندگی معنا می‌یابد. مطالعات متعددی نشان می‌دهند که کیفیت زندگی نقش فزاینده‌ای در رشد اقتصادی و اجتماعی دارد (Deller et al., 2001, 352). کیفیت زندگی، مشابه مفهوم بهزیستی یا رفاه است که تابع شرایط محیط زندگی مردم یک بعد اقتصادی دارد و شامل شبکه‌های اجتماعی، سلامتی و احساسات افراد از ثروت و پایداری محیطی که به آن وابسته‌اند نیز می‌شود. برخی پژوهشگران، کیفیت زندگی را دوره‌هایی از بهزیستی ذهنی برمی‌شمارند. برخی استدلال می‌کنند که کیفیت زندگی به وسیله قابلیت و توانایی شکوفایی نشان داده می‌شود و بستگی به این دارد که افراد توانایی دنبال کردن اهدافی را که برای‌شان ارزش قلمداد می‌شود، داشته باشند (Cagliero et al., 2010, 315; Cagliero et al., 2011, 6).

کیفیت زندگی همانند بهزیستی و رفاه اجتماعی، دو بعد ذهنی و عینی دارد. در بررسی کیفیت زندگی ژاپن، آکاهی‌رو<sup>۱</sup> و همکارانش آسان‌ترین تعریف کیفیت زندگی را از چند مورد

---

1. Akihiro

فهرست شده از سوی میهنو<sup>۱</sup> انتخاب کردند که در آن کیفیت زندگی مرحله‌ای از نظام اجتماعی است که به وسیله چندین شاخص عینی از بهزیستی یا رفاه اندازه‌گیری می‌شود ( Hashimoto et al., 2009, 263). از نظر فاهی<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۴)، مفهوم کیفیت زندگی سه ویژگی عمده و اساسی دارد: ۱. کیفیت زندگی به وضع زندگی اشخاص از منظری می‌پردازد که این موضوع را عمدتاً مفهومی خرد و کوچک برمی‌شمارد. ۲. کیفیت زندگی مفهومی چندبعدی است، که ضمن آنکه به توصیف و تشریح چند حوزه و قلمرو زندگی می‌پردازد، به اثر متقابل و روابط بین این حوزه‌ها نیز اهمیت می‌دهد. ۳. کیفیت زندگی شاخص‌های عینی و ذهنی را اندازه‌گیری می‌کند، و ضمن بهادادن به احساسات و ادراکات نگرشی و ذهنی به تشخیص و شناسایی اهداف و گرایش‌های شخصی کمک می‌کند، اما این بینش‌ها و آگاهی‌ها زمانی ارزش می‌یابند که با اوضاع عینی زندگی پیوند یابند (Shucksmith et al., 2006, 2).

### خانواده هسته‌ای

خانواده‌ای که آن را زن و شوهر و فرزندان یا زن و شوهر بدون فرزند تشکیل می‌دهد، در اصطلاح خانواده هسته‌ای می‌گویند.

### خانواده گسترده

خانواده گسترده، خانواده‌ای است که براساس بستگی‌های نسبی و سببی استوار است و شامل چند گروه خونی و چند گروه زناشویی می‌شود (بلیان، ۱۳۸۵، ۱۸).

### خانواده و کیفیت زندگی

در جامعه سنتی نوع خانواده مسلط معمولاً خانواده گسترده است که از چندین خانواده هسته‌ای تشکیل می‌شود. سیر مطالعات تحول شکل و ساختار نهاد خانواده نشان می‌دهد که

---

1. Mieno  
2. Fahey

عوامل متعددی موجب ازهم گسیختگی این نوع از خانواده و تبدیل آن به خانواده هسته‌ای شده - که خود، خانواده‌ای نومکان است. شاید بتوان برخی از مهم‌ترین این عوامل را چنین برشمرد: مهاجرت از روستا به شهر که عموماً باعث می‌شود خانواده‌های هسته‌ای فردگراتر شوند، تحرک اجتماعی در معیارهای جدید پرستیژ<sup>۱</sup> یا قشربندی اجتماعی مربوط به شهر و کار صنعتی موجب دوری و جداشدن ارتباط بین برادران و خواهران می‌شود، آموزش و پرورش در خانواده‌های گسترده اختلاف و جدایی ایجاد کرده و باعث ازهم گسیختگی آنان شده است. گرایش‌های روانی، رفتارهای شهری مرتبط با جریان صنعتی شدن و پرستیژ تازه‌واردان شهری نیز در زمره این عوامل قرار می‌گیرند (روشه، ۱۳۸۷، ۱۷۳). پیشرفت در زمینه مخابرات، حمل‌ونقل و دسترسی به اطلاعات بر تماس افراد با عقاید و معیارهای رفتاری خارج از حیطه سنتی خود افزوده است. امروزه تعداد بیشتری از مردم در نواحی شهری و روستایی آگاهی بیشتری در خصوص شیوه‌های متفاوت زندگی پیدا می‌کنند و بیشتر می‌توانند تصمیمات فردی بگیرند، بی‌آنکه تأیید سایر اعضای خانواده‌های گسترده را داشته باشند. گرچه این قاعده‌ای عمومی نیست اما گرایش عمومی به کوچک کردن خانواده و تأکید بر «خانواده هسته‌ای» است (مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۲، ۱۶).

اهمیت خانواده در تغییر کیفیت زندگی برحسب ایجاد آمادگی برای برخورد و رویارویی با پدیده‌های اجتماعی است. در واحد اجتماعی خانواده، پدر و مادر از آغاز تولد کودکان به‌عنوان الگو برای آنان مطرح‌اند و نقش و معنای اهمیت خانواده در بهسازی وضعیت بشر نیز در همین واقعیت نهفته است. چگونگی زندگی، عادت‌ها، تمایلات و اهداف والدین از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر کودکان هستند. نوع رفتار والدین در هماهنگ‌سازی خواست‌ها و تمایلات‌شان از یک‌سو و تمایلات خانوادگی و اجتماعی از سوی دیگر و همچنین تلاش پیوسته آنان برای تأمین رفاه و سلامت روانی خانواده و نوع برخوردشان با وظایف دینی و اجتماعی از عوامل

---

۱. وجهه، آبرو و اعتبار

تأثیرگذار بر کیفیت زندگی است. بر این اساس با توجه به نوع خانواده، رفتار والدین و تلاش آنها برای تأمین رفاه و سلامت روانی اعضای خانواده و در نتیجه کیفیت زندگی متفاوت خواهد بود. بررسی کیفیت زندگی در سطح خانواده اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا نخستین سال‌های زندگی هر فردی در محیط خانواده می‌گذرد و در همان دوران پایه شخصیت او گذاشته می‌شود. با توجه به اینکه محیط خانواده‌ها از منظر نوع و ساختار خانواده متفاوت است، می‌توان قضاوت کرد که رضایت از کیفیت زندگی و احساس سعادت و خرسندی در افراد هر نوع خانواده نیز متفاوت خواهد بود. کیفیت زندگی یکی از مقوله‌های مهمی است که اکنون اکثر کارشناسان و متخصصان در رشته‌های مختلف به آن می‌پردازند و در سطوح فردی، خانوادگی، اجتماعی، ملی و جهانی سنجیده می‌شود و از نشانگرهای توسعه‌یافتگی محسوب می‌گردد. سنجش کیفیت زندگی در سطوح خانواده‌های مختلف اهمیت فراوانی دارد، چون خانواده نخستین کانونی است که فرد در آن قرار می‌گیرد و ابتدایی‌ترین تأثیرات را از محیط خانواده دریافت می‌کند. در زمان حاضر، ساختارهای خانواده در حال دگرگونی است و نوع هسته‌ای و کوچک خانواده رو به افزایش است. این فرایند در مناطق شهری بیش از مناطق روستایی بارز است. در مناطق روستایی به‌ویژه مناطق دورافتاده-هنوز هم ساختار گسترده در کنار ساختار هسته‌ای و کوچک خانواده به حیات خود ادامه می‌دهد و روند تغییر و تحول خانواده به‌کندی صورت می‌پذیرد. لذا بررسی کیفیت زندگی در سطح این دو خانواده و سنجش میزان رضایتمندی از شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی می‌تواند سطح رفاه زوج‌های جوانی را که در شکل‌های متفاوت خانواده زندگی می‌کنند، آشکار سازد.

### جایگاه کیفیت زندگی در مطالعات دانش جغرافیا و مناطق روستایی

موضوع کیفیت زندگی از آغاز دهه ۱۹۹۰ در مطالعات نظری و مطبوعاتی توسعه اهمیت ویژه‌ای یافت و به مبنای تمایز و دسته‌بندی‌های نوین کشورها در سال‌های اخیر بدل شد (عنبری، ۱۳۸۹، ۱۵۰). در این بین جغرافی‌دانان نیز همواره هدف غایی مطالعات جغرافیایی را ارتقای

کیفیت زندگی انسان عنوان کرده‌اند. مکتب جغرافیای رفتار فضایی در پی شناخت نقشه‌های ذهنی افراد و پرده‌برداری از ادراکات عمیق آنها درباره مکان‌هاست (حاجی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۹، ۶۵). رونالد جانسون<sup>۱</sup> جغرافی‌دان سرشناس می‌گوید: در زمان ما هدف بسیاری از جغرافی‌دانان این است که در سراسر جهان با حذف نابرابری‌های شدید اجتماعی و اقتصادی، همه خانواده‌ها بتوانند به شغل دائمی، مسکن سالم، بهداشت و درمان، آموزش و امنیت و به‌طور کلی به حد رضایت‌بخشی از زندگی دست یابند (همان، ۶۶). توجه به کیفیت زندگی در جغرافیا که از سوی جغرافی‌دانانی نظیر دیوید اسمیت<sup>۲</sup> و دیوید هاروی<sup>۳</sup> وارد این علم شده، در سال‌های اخیر اهمیت زیادی یافته است. توجه دانش جغرافیا به کیفیت زندگی و مفاهیم مربوط به آن به اواخر دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد. دیوید اسمیت نخستین جغرافی‌دانی بود که درباره کیفیت زندگی و رفاه و عدالت اجتماعی در جغرافیا صحبت کرد. وی برای بررسی کیفیت زندگی، رفاه، و عدالت اجتماعی از شاخص‌های اجتماعی ذهنی و مقایسه عینی استفاده کرد و برای سنجش مورد اول از پرسشنامه و برای مورد دوم از مشاهده و آمار استفاده کرد. اسمیت این شاخص‌ها را در نظر گرفت: بهداشت، مسکن، خدمات عمومی، شادمانی خانوادگی، تعلیم و تربیت، فرصت‌های اشتغال، حقوق و مزد، خوراک، حق رأی، امید به زندگی، مصرف سرانه پروتئین حیوانی، درصد ثبت‌نام در مدارس، تعداد متوسط تلفن و روزنامه و نظایر اینها. در دهه ۱۹۷۰ دیوید هاروی با انتشار چهار مقاله به این مقوله پرداخت. خوراک، مسکن، خدمات بهداشتی، تحصیلات، خدمات اجتماعی، خدمات مربوط به محیط‌زیست، کالاهای مصرفی، تأسیسات تفریحی، دل‌پذیری محله و وسایل حمل‌ونقل مجموعه‌ای از نیازهای انسانی است که به‌زعم هاروی انسان‌ها به حداقلی از آنها نیاز دارند (جاجرمی و کلت، ۱۳۸۵، ۸-۷). از آنجاکه در جغرافیا به‌ویژه برنامه‌ریزی روستایی- مناطق روستایی، روستا، جامعه روستایی (انواع خانواده‌ها و گروه‌های اجتماعی)، و

---

1. Ronald Jonson  
2. David Smith  
3. David Harvey

محیط طبیعی و انسان‌ساخت اهمیت فراوانی دارد، کیفیت زندگی این گروه از جوامع انسانی نیز اهمیت می‌یابد. هدف همه برنامه‌ریزان روستایی، ارتقا و افزایش کیفیت زندگی روستاییان در همه ابعاد و زمینه‌هاست. بررسی‌ها و مطالعات نشان می‌دهند مقوله کیفیت زندگی در نقاط روستایی بستگی بیشتری به کیفیت مکان دارد و به عوامل اقلیمی، جنگل‌ها، مراتع و مزارع یا به عبارتی دیگر به منابع طبیعی وابسته است (قالیباف و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۶۴). کیفیت زندگی مردم و مکان‌های روستایی به عوامل زیادی از جمله اشتغال، درآمد مناسب، دسترسی به خدماتی مانند آموزش و بهداشت، سلامت، محیط طبیعی، امنیت، و انجمن‌های قوی وابسته است. اگرچه کیفیت زندگی مردم و مکان‌های شهری نیز بدین عوامل بستگی دارد، اما چالش‌های مربوط به سنجش رفاه و زندگی بهتر در این گونه نواحی با مناطق روستایی بسیار متفاوت است. برخی از این چالش‌ها به شرایط کلان اقتصادی وابسته‌اند اما برخی دیگر به چارچوب سازمانی و نهادی موجود در نواحی روستایی مربوط می‌شوند. عواملی مانند مقیاس کوچک و تراکم کم سکونتگاه‌های روستایی، کاهش اشتغال و درآمد در بخش کشاورزی، فاصله زیاد و انزوای جغرافیایی آنها، راه‌های ارتباطی و شبکه حمل‌ونقل نامناسب و ناکارآمد اجرای سیاست‌های لازم برای بهبود کیفیت زندگی روستایی را پیچیده‌تر می‌کند (رضوانی و منصوریان، ۱۳۸۷، ۴-۲).

## روش‌شناسی تحقیق

### معرفی اجمالی منطقه مطالعه‌شده

بخش پشت‌آب یکی از بخش‌های شهرستان زابل با مرکزیت شهر ادیمی است که تنها شهر منطقه به‌شمار می‌آید. این بخش از نظر مشخصات جغرافیایی بین نقاط ۳۰ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۳۰ درجه و ۳۱ دقیقه عرض شمالی، و ۶۰ درجه و ۴۵ دقیقه تا ۶۱ درجه و ۴۰ دقیقه طول شرقی واقع شده است. این منطقه با ارتفاع کمتر از ۵۰۰ متر از سطح دریا و با وسعت تقریبی ۲۳۱۹ کیلومتر مربع در شمال شرق استان سیستان و بلوچستان واقع است، و به‌رغم یکنواختی

نسبی آن از نظر ریخت‌شناسی، دارای اشکال ناهمواری ویژه‌ای است که از آن جمله می‌توان به فرورفتگی‌ها و چاله‌های آبگیر تحت عنوان هامون‌ها و تراس‌های دریاچه‌ای و یک گسل اشاره کرد. این منطقه براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ دارای ۳۹۳۰۰ نفر جمعیت (۱۸۹۸۵ نفر زن و ۲۰۳۱۵ نفر مرد) بوده است که در چهار دهستان ادیمی، بزی، سفیدابه و قائم‌آباد مستقرند. در این پژوهش دهستان‌های ادیمی و قائم‌آباد برای مطالعه و بررسی انتخاب شدند. ادیمی و قائم‌آباد، دو دهستان از توابع بخش پشت‌آب شهرستان زابل در استان سیستان و بلوچستان هستند. جمعیت دهستان ادیمی براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ ۱۵۱۵۷ نفر (۳۵۲۴ خانوار)، و جمعیت دهستان قائم‌آباد براساس سرشماری سال ۱۳۸۵ ۱۳۰۳۹ نفر (۲۷۶۱ خانوار) بوده است. اقلیم حاکم بر این منطقه در تمام طبقه‌بندی‌های اقلیمی از نوع گرم و خشک است. میانگین دمای سالانه ۲۱ درجه سانتی‌گراد، میانگین بارش سالانه ۶۱/۴ میلی‌متر، میانگین رطوبت نسبی هوا ۳۸ درصد، و تبخیر و تعرق بالقوه براساس روش‌های مختلف محاسبه، حدود ۵۷۰۰ میلی‌متر تا ۴۱۹۶ میلی‌متر در منطقه محاسبه شده است. بادهای ۱۲۰ روزه که از آن به‌عنوان شاخص‌ترین پدیده جوی منطقه یاد می‌شود با آثار مخرب خود زندگی را برای ساکنان منطقه سخت و طاقت‌فرسا کرده است (میری و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۹).

### جامعه آماری، جامعه نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر را روستاهای دهستان‌های ادیمی و قائم‌آباد از بخش پشت‌آب زابل تشکیل می‌دهند. روستاهای نمونه انتخابی از هر دو دهستان، روستاهای بالای ۵۰ خانوار هستند. از دهستان ادیمی ۵ روستا از جنوب به‌طرف شمال شامل روستاهای ده‌کمالی، حسین‌آباد خواجه، فقیرلشکری، کدخدا صفر و دهنو پشت ادیمی و از دهستان قائم‌آباد با توجه با موقعیت مکان‌گزینی روستاها از قسمت شمالی دهستان روستاهای قائم‌آباد و سهراب شیخی و از جنوب دهستان روستاهای سه‌قلعه، و عباس‌آباد انتخاب شدند. با توجه به اینکه واحد

بررسی در مطالعات میدانی جغرافیای انسانی به‌ویژه برنامه‌ریزی روستایی- در سطح روستا خانواده است، جامعه نمونه از میان خانواده‌های روستایی با تأکید بر دو نوع ساختار خانواده یعنی گسترده و هسته‌ای گزینش شدند. با کمک دهیاران، تعداد خانواده‌های هسته‌ای و گسترده روستاها براساس زوج‌های جوانی که از سال ۱۳۸۵ به بعد تشکیل زندگی دادند به تفکیک مشخص شدند و در مجموعه روستایی یعنی همان ۹ روستا- ۲۹۶ خانواده (۱۳۷ خانواده گسترده و ۱۵۹ خانواده هسته‌ای) شناسایی شدند. با توجه به تعداد خانواده‌های هسته‌ای و گسترده شکل گرفته از سال ۱۳۸۵ به بعد، با کمک دهیاران و از طریق نمونه‌گیری تصادفی ساده همین تعداد خانواده، به‌عنوان جامعه نمونه در نظر گرفته شدند.

روش و ابزار گردآوری داده‌ها و اطلاعات همانند هر پژوهش دیگری ابتدا با انجام مطالعات اولیه در خصوص شناخت و آگاهی از موضوع و استخراج اطلاعات شکل گرفت. در مراحل ابتدایی کار، ابتدا منابع مکتوب از جمله کتاب‌ها و مقاله‌های مرتبط با موضوع مطالعه شد و داده‌های لازم استخراج و تحلیل گردید. در مرحله بعد برای بررسی کیفیت زندگی در سطح دو نوع خانواده -گسترده و هسته‌ای- با توجه به شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی پرسشنامه‌ای در قالب شاخص‌های انتخابی از جمله کیفیت تسهیلاتی و محیطی روستا، مسکن، بهزیستی عاطفی، آرامش روحی و روانی و خودمختاری و آزادی عمل طراحی شد. از آنجاکه یکی از روش‌های اساسی در مورد سنجش شاخص‌های عینی و به‌ویژه شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی استفاده از پرسشنامه است، با حضور میدانی در روستاها، پرسشنامه‌ها بین خانواده‌های هدف توزیع شدند. سؤالات پرسشنامه براساس شاخص‌های کیفیت زندگی در بعد عینی و ذهنی در قالب سؤالات بسته بر مبنای طیف لیکرت در مقیاس‌های ۱ تا ۵ طراحی گردید. سؤالات در سه بخش تدوین شدند: بخش نخست شامل ویژگی‌های فردی پاسخ‌گو و دو بخش دیگر شامل شاخص‌ها و متغیرهای مرتبط با کیفیت زندگی بود که هر فرد با توجه به نوع خانواده‌ای که در آن زندگی می‌کرد میزان رضایتش را از ابعاد گوناگون کیفیت زندگی براساس طیف‌های تعریف‌شده، مشخص کرده بود.



### سوالات و فرضیات تحقیق

۱. آیا بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در دو نوع خانواده هسته‌ای و گسترده- تفاوت معناداری وجود دارد؟
۲. آیا نوع ساختار خانواده باعث شده است که در میزان رضایت از شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی تفاوت معناداری ایجاد شود؟
۳. بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی دو نوع خانواده هسته‌ای و گسترده- تفاوت معناداری وجود دارد.
۴. بین نوع ساختار خانواده در میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت زندگی (عینی و ذهنی) تفاوت معناداری وجود دارد.

### تعریف شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی

شاخص‌های استفاده شده برای سنجش کیفیت زندگی دو نوع ساختار خانواده گسترده و هسته‌ای در مناطق روستایی بخش پشت‌آب زابل، در قالب ۵ نوع شاخص عینی کیفیت زندگی (کیفیت محیطی و تسهیلاتی روستا با ۱۶ شاخص، کیفیت کالبدی درونی و بیرونی مسکن با ۲۱ شاخص، بهزیستی عاطفی با ۶ شاخص، خودمختاری و آزادی عمل با ۱۱ شاخص و بهزیستی روحی و روانی با ۶ شاخص) و در مجموع ۶۰ نوع شاخص ذهنی در قالب میزان رضایت از این شاخص‌ها، در هر دو گونه خانواده مقایسه شد. برای اندازه‌گیری شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی برحسب رضایت از شاخص‌های عینی و جنبه‌های مختلف زندگی، روش‌های مختلفی وجود دارد. در یکی از آنها، کیفیت ذهنی زندگی برحسب رضایت کلی افراد از زندگی و در کل اندازه‌گیری می‌شود. در این روش رضایت کلی از زندگی معمولاً با استفاده از پاسخ شهودی یا منطقی اندازه‌گیری می‌شود. در روش شهودی، افراد در مورد زندگی خود به‌عنوان یک کلیت پاسخ می‌دهند. اما در روش منطقی، ابتدا از افراد در مورد احساس‌شان از قلمروهای مختلف زندگی همچون مسکن، محیط طبیعی، امنیت، شغل، درآمد و مانند اینها

پرسش می‌شود و هنگامی که افراد به این سؤال‌ها پاسخ دادند، از احساس آنها در مورد کلیت زندگی سؤال می‌شود. در نتیجه افراد می‌توانند با توجه به جنبه‌های مختلف زندگی پاسخی منطقی ارائه دهند. اندازه‌گیری هر دو پاسخ شهودی و منطقی به بررسی این موضوع کمک می‌کند که آیا تغییری در دیدگاه افراد در مورد احساس آنها به زندگی پس از توجه به قلمروهای مختلف زندگی وجود دارد. از این رو در این تحقیق از روش منطقی برای بررسی میزان رضایت زوج‌های جوان به کمک شاخص‌های در نظر گرفته شده در دو ساختار خانواده استفاده شد.

### روش تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات

سطح روایی و پایایی پرسشنامه در پژوهش حاضر براساس ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۹۲ محاسبه شده که بیانگر ضریب اعتماد بالای آن است. به منظور تحلیل داده‌ها و بررسی میزان رضایت دو خانواده از شاخص‌های کیفیت زندگی در مناطق روستایی بخش پشت‌آب زابل، از تحلیل آماری آزمون T-test در نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

یافته‌های توصیفی زمینه‌ای: محاسبه توزیع فراوانی از مشخصات پاسخ‌گویان در سطح دو خانواده نشان داد که ۱۰۰ درصد پاسخ‌گویان در گروه سنی ۱۵ تا ۴۵ سال، اکثراً از جنس مرد، ۳۹/۹ درصد دارای تحصیلات دبیرستانی، ۵۹/۲ درصد دارای شغل کارگری، و ۶۸/۹ درصد آنها در گروه درآمدی پایین قرار داشتند. نوع وابستگی با همسر ۳۹/۵ درصد از پاسخ‌گویان، فامیل درجه یک (دختردایی، دخترعمو، دخترخاله، دخترعمه و جزاینها) بود. ۵۹/۲ درصد از آنها دارای مسکن ملکی مستقل بودند و محل اشتغال ۳۹ درصد از پاسخ‌گویان در روستای محل سکونت آنان بود.

آزمون فرضیات:

۱. بین شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی دو نوع خانواده هسته‌ای و گسترده تفاوت معناداری وجود دارد.

۲. بین نوع ساختار خانواده در میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت زندگی (عینی و ذهنی) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱. نتایج آزمون T-test برای سنجش میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت زندگی

در دو خانواده گسترده و هسته‌ای

شاخص‌ها	نوع خانواده	تعداد نمونه (N)	میانگین (Mean)	انحراف معیار Std. Deviation	درجه آزادی (F)	Sig.	مقدار T	سطح معناداری Sig. (2-tailed)
کیفیت محیطی و تسهیلاتی روستا	گسترده	۱۱۳	۴۱/۱۲	۱۱/۷۵	۶/۸۴۵	۰/۰۰۹	۰/۳۱۸	۰/۷۵۱
	هسته‌ای	۱۱۵	۴۰/۶۸	۸/۸				
کیفیت کالبدی مسکن (بیرونی)	گسترده	۱۱۳	۲۱/۸۲	۶/۰	۰/۹۰۷	۰/۳۴۲	-۱/۱۵۳	۰/۲۵۰
	هسته‌ای	۱۱۵	۲۲/۷۱	۵/۶				
کیفیت کالبدی مسکن (درونی)	گسترده	۱۱۳	۳۵/۳۵	۱۲/۴۵	۱/۶۹۱	۰/۱۹۵	-۱/۱۲۰	۰/۲۶۴
	هسته‌ای	۱۱۵	۳۷/۱۱	۱۱/۲۳				
بهبودی عاطفی	گسترده	۱۱۳	۲۲/۲۱	۶/۳	۰/۱۱۲	۰/۷۳۹	-۰/۳۶۴	۰/۷۱۶
	هسته‌ای	۱۱۵	۲۲/۴۷	۴/۵				
خودمختاری و آزادی عمل	گسترده	۱۱۳	۳۷/۱۷	۸/۸	۰/۵۴۶	۰/۴۶۱	-۲/۸۶۲	۰/۰۰۵
	هسته‌ای	۱۱۵	۴۰/۶۸	۹/۶				
بهبودی روحی و روانی	گسترده	۱۱۳	۱۹/۹۱	۴/۵	۰/۲۶۱	۰/۶۱۰	-۳/۴۴۴	۰/۰۰۱
	هسته‌ای	۱۱۵	۲۱/۹۳	۴/۳				

منبع: محاسبات داده‌های حاصل از پرسشنامه

برای آزمون فرضیات تحقیق، از آزمون T-test بر مبنای مقایسه بین دو گروه مستقل یعنی خانواده گسترده و هسته‌ای و میزان رضایتمندی از شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی استفاده شده است. به‌طور کلی هدف اساسی این پژوهش، بررسی تفاوت معناداری بین دو گروه

از خانواده گسترده و هسته‌ای در میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت زندگی در قالب ۵ شاخص (کیفیت محیطی و تسهیلاتی، کیفیت کالبدی مسکن (درونی و بیرونی)، بهزیستی عاطفی، خودمختاری و آزادی عمل، و بهزیستی روحی و روانی) است. با توجه به آزمون T انجام‌شده، معلوم شد که سطح معناداری هریک از شاخص‌ها در پیوند با نوع خانواده در سطح ۰/۰۵ متفاوت است. درخصوص رضایت از شاخص‌های محیطی و تسهیلاتی در سطح روستا، کیفیت کالبدی مسکن (درونی و بیرونی) و بهزیستی عاطفی در هر دو نوع خانواده، تفاوت معناداری وجود ندارد. در جدول ۱ سطح معناداری به‌دست‌آمده از شاخص‌ها را مشاهده می‌کنید. در این جدول، مقادیر محاسبه‌شده از زیرشاخص‌های عینی و ذهنی حاصل از سه شاخص (کیفیت محیطی و تسهیلاتی روستا، کیفیت کالبدی مسکن (درون و بیرون مسکن)، و بهزیستی عاطفی) نشان می‌دهند که زوج‌های جوان در هر دو خانواده از این شاخص‌ها راضی هستند، و به‌طور کلی احساس آرامش و رفاه می‌کنند. اما مقدار محاسبه‌شده برای دو شاخص خودمختاری و آزادی عمل، و بهزیستی روحی و روانی در سطح ۰/۰۵ به‌ترتیب ۰/۰۰۵ و ۰/۰۰۱ معنادار شده است. این موضوع نشان می‌دهد که زوج‌های جوان در رضایت از این دو شاخص با توجه به نوع خانواده با هم تفاوت معناداری دارند. با توجه به نتایج آزمون، فرضیات تحقیق که براساس وجود تفاوت معناداری در میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت زندگی در سطح دو گونه خانواده تنظیم گردیده است، بخشی اثبات و بخشی دیگر رد می‌شوند. تفاوت معناداری بین شاخص‌های کیفیت محیطی و تسهیلاتی، کالبدی (کیفیت درونی و بیرونی مسکن) و شاخص بهزیستی عاطفی در سطح دو خانواده وجود ندارد لذا فرضیه براساس رضایت داشتن از سه شاخص ذکرشده رد می‌شود؛ اما وجود تفاوت معناداری در میزان رضایت از دو شاخص خودمختاری و آزادی عمل، و بهزیستی روحی و روانی باعث می‌شود که ادامه فرضیه برمبنای دو شاخص ذکرشده اثبات گردد. درخصوص فرضیه دوم نیز همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، استنباط می‌شود که نوع خانواده یعنی همان گسترده و هسته‌ای بودن، فقط در میزان رضایتمندی از شاخص‌های خودمختاری و آزادی عمل، و بهزیستی روحی و روانی اثری

متفاوت داشته است. نتیجه اینکه نوع و شکل خانواده گسترده و هسته‌ای در شاخص‌هایی چون آزادی در انجام کارها و فعالیت‌های روزانه و شخصی، آزادی در پوشش، آزادی در تحصیل، آزادی در خرید مایحتاج، آزادی در دخل و خرج خانواده، اختیار و آزادی در مهمانی‌دادن و مهمانی‌رفتن، آزادی در خوردن، آزادی در تفریح، آزادی در استفاده از وسایل صوتی و تصویری، اختیار در کار و احساس استقلال (شاخص خودمختاری و آزادی عمل)، استراحت روزانه و شبانه، احساس شادکامی و رضایتمندی، آرامش فکری، سلامت روحی و روانی، انجام کارهای معنوی و مناجات و داشتن اعصابی آرام و بدون دغدغه (بهزیستی روحی و روانی) بین زوج‌های جوان تفاوت ایجاد کرده است. با توجه به این نتایج، بخشی از فرضیه دوم نیز اثبات و بخشی دیگر رد می‌شود.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

خانواده به‌عنوان ابتدایی‌ترین واحد اجتماعی نماینده و ذی‌نفع در فرایند توسعه، نقش حساس و مهمی در شکل‌دهی به جامعه ایفا می‌کند و از نخستین نهادهای اجتماعی است که شالوده حیات اجتماعی محسوب می‌گردد. خانواده ابزار اصلی انسجام جامعه است و این کار را از طریق فعالیت اجتماعی خود انجام می‌دهد و همچنین تأمین‌کننده عشق، امنیت و حمایت است. برخورداری از چارچوب خانوادگی قوی برای رفاه اعضای خانواده بسیار سودمند و برای کل جامعه مفید است. امروزه خانواده دستخوش تغییرات ناهماهنگی شده و به تدریج شکل قدیمی (گسترده) خود را از دست می‌دهد و به‌گونه جدیدی (هسته‌ای) تطور می‌یابد. این گونه جدید غالباً نوع هسته‌ای خانواده است که در مناطق شهری بیشتر نمود می‌یابد. نوع قدیمی خانواده یعنی گسترده (پدری) هنوز هم در مناطق روستایی بیشتر حضور دارد. امروزه تمامی مناطق اعم از شهری و روستایی شاهد تحولات ساختار خانواده در اشکال گوناگون است، که با توجه به ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و مکانی هر نقطه (شهری و روستایی) متفاوت خواهد بود.

زندگی در هر نوع از خانواده، کیفیت زندگی متفاوتی را برای افراد - به‌ویژه زوج‌های جوان - به‌دنبال دارد. نوع خانواده در رضایتمندی و احساس شادکامی افراد و سعادت‌مندی آنها نتایج مختلفی خواهد داشت. مسئله کیفیت زندگی از مواردی است که برای ترسیم رفاه در جامعه در سطح فردی و خانوادگی به‌کار می‌رود. کیفیت زندگی از طریق ابعاد ذهنی، ادراک و ارزیابی افراد از وضعیت زندگی خود، احساس رضایت در سطوح مختلف فردی، خانواده و جامعه به‌کمک شاخص‌های عینی از جمله مسکن، تسهیلات، محیط و مانند اینها اندازه‌گیری می‌شود. در مقایسه انجام‌شده از میزان رضایت از شاخص‌های کیفیت زندگی در دو سطح متفاوت از خانواده در مناطق روستایی بخش پشت‌آب زابل، این نتیجه حاصل شد که زوج‌های جوانی که با خانواده پدری و به‌شکل گسترده زندگی می‌کنند با زوج‌های جوانی که بعد از ازدواج مستقل شده و ساختار هسته‌ای خانواده را تشکیل داده‌اند، در میزان رضایتمندی و احساس رفاه مرتبط با شاخص‌های کیفیت زندگی در قالب کیفیت محیطی و تسهیلاتی روستای محل زندگی، کیفیت کالبدی مسکن (درونی و بیرونی) و بهزیستی عاطفی تفاوت چندانی نداشتند و اکثراً از کیفیت زندگی برمبنای شاخص‌های ذکر شده، رضایت داشتند. اما زوج‌های جوان در دو خانواده در خصوص دو شاخص خودمختاری و آزادی عمل، و بهزیستی روحی و روانی با هم تفاوت معناداری داشتند و از این شاخص‌ها رضایتی نداشتند. زوج‌های جوان براساس این شاخص‌ها احساس خوشبختی، رفاه و آسایش نمی‌کردند. مسلماً نوع خانواده - به‌ویژه خانواده گسترده - محدودیت‌هایی را در زمینه خودمختاری و آزادی عمل، و بهزیستی روحی و روانی ایجاد می‌کند و از رفاه فرد و احساس شادکامی زوجین می‌کاهد. بر این اساس باید زوج‌های جوان نوع خانواده‌ای را انتخاب کنند که هم با خانواده‌های خود در ارتباط باشند و روابط خویشاوندی را حفظ کنند و هم میزان رضایت‌شان را از تمامی شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی بالا ببرند و به رفاه و آرامش برسند.

## منابع

- آقاملایی، ت.، ۱۳۸۶، اصول و کلیات خدمات بهداشتی، (تحت نظارت مستقیم حسن افتخاری اردبیلی)، انتشارات اندیشه رفیع، تهران، ۲۷۲ صفحه.
- بیلان، ل.، ۱۳۸۵، تأثیر زندگی خویشاوندی (بر مبنای فرهنگ اسلامی) در سازماندهی فضاهای مسکونی، مجله مسکن و انقلاب، شماره ۱۱۶.
- تقوی، ن.، ۱۳۸۲، جامعه‌شناسی روستایی (رشته علوم اجتماعی)، انتشارات دانشگاه پیام نور، ۲۰۰ صفحه.
- جاجرمی، ک.، و کلتی، ا.، ۱۳۸۵، سنجش وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی در شهر از نظر شهروندان؛ مطالعه موردی: گنبدقاپوس، مجله جغرافیا و توسعه، صص. ۷-۱۸.
- جواهری، ف.، سراج‌زاده، س.ح.، و رحمانی، ر.، ۱۳۸۹، تحلیل اثرات اشتغال زنان بر کیفیت زندگی آنان (مطالعه موردی: زنان شاغل در وزارت جهاد کشاورزی)، زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۸، شماره ۲، صص. ۱۶۲-۱۴۳.
- حاجی‌نژاد، ع.، رفیعیان و زمانی، ح.، ۱۳۸۹، بررسی متغیرهای فردی مؤثر بر رضایت‌مندی شهروندان از کیفیت محیط زندگی؛ مطالعه موردی: مقایسه‌ی بافت قدیم و جدید شهر شیراز، جغرافیا و توسعه، شماره ۱۷، صص. ۶۳-۸۲.
- حریچی، ا.م.، میرزایی، خ. و جهرمی و مکانی، ا.، ۱۳۸۸، چگونگی وضعیت کیفیت زندگی شهروندان شهر جدید پردیس ۱۳۸۸، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال دوم، شماره چهارم، صص. ۸۹-۱۱۰.
- رحیمی، م.، و خیر، م.، ۱۳۸۸، رابطه الگوهای ارتباطی خانواده و کیفیت زندگی دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر شیراز، مطالعات تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، دوره دهم، شماره ۱، صص. ۵-۲۵.
- رضوانی، م.ر. و منصوریان، ح.، ۱۳۸۷، سنجش کیفیت زندگی: بررسی مفاهیم، شاخص‌ها، مدل‌ها و ارائه مدل پیشنهادی برای نواحی روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۱، شماره ۳، صص. ۱-۲۶.

غریب فاضل‌نیا \_\_\_\_\_ سنجش و مقایسه تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی در خانواده‌های گسترده و هسته‌ای

رضوانی، م.ر.، متکان، ع.ا.، منصوریان، ح.، و ستاری، م.ح.، ۱۳۸۸، توسعه و سنجش شاخص‌های کیفیت زندگی شهری (مطالعه موردی: شهر نورآباد، استان لرستان)، مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال اول، شماره دوم، صص. ۸۷-۱۱۰.

روشه، گ.، ۱۳۸۷، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، نشر نی، تهران، ۲۴۸ صفحه.

ژیوانی هیوا، ک.، دوبرولسکی، رابرت چمپرز، ۱۳۷۷، مسائل جامعه‌شناسی روستایی (ساخت‌های اجتماعی جوامع روستایی)، ترجمه از کیا، م. و ایروانی، م.م. و نیک‌خلق، ع.ا.، انتشارات روزبهان، ۳۳۰ صفحه.

عنبری، م.، ۱۳۸۹، بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران (۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵)، مجله توسعه روستایی، دوره اول، شماره ۲، صص. ۱۴۹-۱۸۱.

غفاری، س.ر.، مدبر، م.، و ریاحی زانیانی، ز.، ۱۳۸۷، مونوگرافی مسکن و معماری روستای یاسه‌چاه، مجله مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۲، ص. ۴۲.

قالیباف، م.ب.، رمضان‌زاده لسبویی، م. و یاری شگفتی، ا.، ۱۳۸۸، سنجش میزان رضایتمندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی؛ مطالعه موردی بخش نوسود استان کرمانشاه، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۲، شماره ۳، صص. ۱۸۴-۱۶۳.

ماجدی، م.، و لهسایی‌زاده، ع.، ۱۳۸۵، بررسی رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای، سرمایه اجتماعی و رضایت از کیفیت زندگی؛ مطالعه موردی در روستاهای استان فارس، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۹، شماره ۴، صص. ۹۱-۱۳۶.

مرکز امور مشارکت زنان، ۱۳۸۲، مراسم ملی دهمین سالگرد روز جهانی خانواده، مجموعه مقالات و بیانیه‌ها، شرکت انتشارات سوره مهر، تهران، ۱۸۶ صفحه.

میری، غ.ر.، جوان، ج.، افراخته، ح.، ولایتی، س.، شایان، ح.، ۱۳۸۹، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه روستایی (مطالعه موردی بخش پشت‌آب زابل)، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ۱۴، صص. ۲۹-۴۹.

نائینیان، م.ر.، شعیری، م.ر.، رسول، صیدمحمدی، ک.، خلمی و ز.، ۱۳۸۴، مطالعه برخی ویژگی‌های روان‌سنجشی پرسشنامه کیفیت زندگی (QLQ)، دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار، دانشگاه شاهد، سال دوازدهم، شماره ۱۳، صص. ۴۷-۵۹.



نجات، س.، ۱۳۸۷، کیفیت زندگی و اندازه‌گیری آن، مجله تخصصی اپیدمیولوژی ایران، شماره ۲، صص. ۶۲-۵۷.

Bassi, I.B., Assunc, A., Mesquita de Medeiros, A., Neiva de Menezes, L., Caldas Teixeira, L. and Co^ rtes Gamam A.C., 2011, **Quality of Life, Self-Perceived Dysphonia, and Diagnosed Dysphonia Through Clinical Tests in Teachers**, Journal of Voice, PP. 192- 201.

Cagliari, R., Cristiano, S., Pierangeli, F. and Tarangioli, S., 2011, **Evaluating the Improvement of Quality of Life in Rural Areas**, Ancona - 122nd EAAE Seminar "Evidence-Based Agricultural and Rural Policy Making", PP. 1-15.

Cagliari, R., Filippa, F. and Pierangeli, F., 2010, **RDP and Quality of Life in Rural Areas: Evaluation of the Possible Effects in Piedmont**, Paper prepared for presentation at the 118th seminar of the EAAE (European Association of Agricultural Economists), 'Rural development: governance, policy design and delivery' Ljubljana, Slovenia, PP. 311-325.

Deller, S.C., Tsai, T.H., Marcouiller, D.W. and English, D., 2001, **The Role of Amenities and Quality of Life in Rural Economic Growth**, American Agricultural Economics Association, PP. 352- 365.

Gragi, I., Žimbrek, T., Tratnik, M., Markovina, J., and Jura, J., 2010, **Quality of Life in Rural Areas of Croatia: To stay or to leave?**, African Journal of Agricultural Research, PP. 653-660.

Hashimoto, A., Sugita, T. and Haneda, S., 2009, **Evaluating Shifts in Japan's Quality-of-life**, Socio-Economic Planning Sciences, PP. 263-273.

Sabbah, I., Drouby, N., Sabbah, S., Retel-Rude, N., and Mercier, M., 2003, **Quality of Life in Rural and Urban Populations in Lebanon Using SF-36**, Health Survey Health and Quality of Life Outcomes, PP. 1-30.

Shucksmith, M., Cameron, S., Merridew, T. and Pichler, F., 2006, **First European Quality of Life Survey: Urban-rural Differences**, European Foundation for the Improvement of Living and Working Conditions, PP. 1-82.

The West Wicklow, Rural communities consultation project, Addressing Quality of life Issues in Rural Communities, 2004, **A Research Report by: Pobal Community Development Agency**, in partnership with Wicklow Conty Development Board, the Department of social welfare, PP. 1-41.

غریب فاضل‌نیا \_\_\_\_\_ سنجش و مقایسه تطبیقی شاخص‌های کیفیت زندگی در خانواده‌های گسترده و هسته‌ای

Walker, J., Winkelstein, M., Land, C., Lewis-Boyer, L., Quartey, R., Pham, L. and Butz, A., 2008, **Factors That Influence Quality of Life in Rural Children with Asthma and their Parents**, Journal of Pediatric Health Care, PP. 343-350.

Yaruss, J.S., 2010, **Assessing Quality of Life in Stuttering Treatment Outcomes Research**, Journal of Fluency Disorders, PP. 190-202.

Zielinska Wczkowska, H., and dziora-Kornatowska, K.W., 2010, **Evaluation of Quality of Life (QoL) of Students of the University of Third Age (U3A) on the Basis of Socio-demographic Factors and Health Status**, Archives of Gerontology and Geriatrics, PP. 1-5.